

سلسله درس هاي محدوديت

حلقه ششم

# غربت امام عصر علیه السلام



فروشگاه تخصصي کتب ديني

دکتر سید محمد کردبني هاشمی



فروشگاه تخصصی کتب دینی

سید محمد بنی‌هاشمی، سید محمد، عنوان و نام پدیدآور؛ غربت امام عصر علیهم السلام؛ سلسله درس‌های مهدویت، حلقه ششم

سید محمد بنی‌هاشمی.

مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۳۱۲ ص.

شابک جلد ششم: ۷-۹۷۸-۹۶۴-۰۵۹-۱۰۱

شابک دوره: ۲-۹۷۸-۹۶۴-۰۵۹-۱۰۸-۲

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا!

یادداشت: کتابنامه: همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: محمدين حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق، مهدویت.

موضوع: محمدين حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق، احادیث.

ردیبدی کنگره: ۱۳۸۸-۸ س ۸۳ ب / ۲۲۴ BP

ردیبدی دیوبی: ۲۹۷ / ۴۶۲

ISBN 978-964-539-153-7 ۹۷۸-۹۶۴-۰۵۹-۱۰۳-۷

## غربت امام عصر علیهم السلام

سلسله درس‌های مهدویت (۶)

سید محمد بنی‌هاشمی

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

نوبت چاپ: دوم / ۱۳۹۰

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

حروفچینی: شبیر / ۷۷۵۲۱۸۳۶

چاپ: زنبق

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه آبرودار، ساختمان پژوهشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۰۷۷۵۲۱۸۳۶ (۶ خط)  
فروشگاه: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی بور، پلاک ۶۴ تلفن: ۰۹۳۵ (۴ خط) ۷۵۲۱۸۳۶

وب سایت: <http://www.monir.com>

پست الکترونیک: info@monir.com

دیگر مراکز پخش: تبریز (صحیفه) ۰۵۵۱۸۴۸، اهواز (رشد) ۰۶۱۱-۲۲۱۷۰۰۱، مشهد ۰۵۱۱-۲۲۵۷۲۵۷ \* ۰۶۱۱-۲۲۱۹۱۶، شیباز (شهر جراج) ۰۷۱۱-۲۲۲۱۹۱۶ \* اصفهان (مهر قائم) ۰۳۱۱-۲۲۲۱۹۹۵، زفول (مراج) ۰۶۴۱-۲۲۶۱۸۲۱

تومان ۵۰۰۰



این حلقه به نیابت از:

احیاگر احادیث اهل بیت ﷺ

شیخ صدوق

به پیشگاه؛

مادر بزرگوار سید الاوصیاء و امیرالمؤمنین علیهم السلام

فروشنگاه تخصصی کاتحضرت فاطمه بنت اسد علیهم السلام

تقدیم می‌گردد.



## فهرست مطالب

### □ بخش اول: غربت امام عصر علیهم السلام

۱۷	درس اول: نعمت ناشناخته
۱۷	مقدمه: اهل بیت علیهم السلام، نعمت کفران شده
۲۱	فصل اول: امام قدر ناشناخته
۲۱	معنای اول غریب
۲۳	قدر ناشناخته بودن امام عصر علیهم السلام
۲۴	امام شناسان قدرناشناس
۲۷	درس دوم: قدر ناشناخته بودن صفات امام عصر علیهم السلام
۲۷	عدم معرفت به وصف
۲۸	(الف) امامت
۳۰	(ب) ولایت
۳۲	(ج) عصمت
۳۶	(د) نص بر امامت
۳۹	درس سوم: بی اعتقادی به امام علیهم السلام و راه نجات از آن
۳۹	بی اعتقادی تحصیل کردها

## ۸ غربت امام عصر علیه السلام

۴۰	کم معرفتی عوام
۴۳	قدرتناشی نسبت به «علم مصوب»
۴۵	حیرت و هلاکت
۴۶	تنها راه نجات
۴۸	همچون امور دنیوی
۵۰	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱ تا ۳
فصل دوم: امام از یاد رفته	
۵۱	درس چهارم: فراموش شدن قلبی و زبانی امام عصر <small>علیه السلام</small>
۵۱	معنای دوم غریب
۵۲	ویژگی‌های یاد کردن
۵۴	چگونگی یاد کردن از امام عصر <small>علیه السلام</small>
۵۶	امام زمانی از یاد رفته
۶۰	درس پنجم: فراموشی فراگیر
۶۰	پدر و مادر از یاد رفته
۶۴	زندان غیبت
۶۶	غفلت شیطانی
۶۹	مردن یاد امام عصر <small>علیه السلام</small>
فصل سوم: امام فرو نهاده	
۷۳	درس ششم: امام مهجور
۷۳	معنای سوم غریب
۷۵	مهجور بودن امام عصر <small>علیه السلام</small>
۷۵	علم مصوب
۷۶	کشتنی نجات
۷۷	ریشهٔ هر خیر

## فهرست مطالب ۹

۷۹	آب شیرین و گوارا
۸۰	شاهد برآمده
۸۱	رفیق مونس
۸۳	پدر دلسوز
۸۵	درس هفتم: مقایسه «بتر معطله» با «ماء معین»
۸۵	چاه بدون استفاده و قصر خالی از سکنه
۸۸	آب در دسترس
۹۱	فتنه شدید
۹۵	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۴ تا ۷

فصل چهارم: امام دور از اهل و دیار

۹۷	درس هشتم: امام دور از اهل و دیار و بیار و یاور
۹۷	معنای چهارم غریب
۹۸	عزلت امام عصر
۱۰۰	سکونت امام عصر در نقاط دور دست
۱۰۲	اهل طاعت و اخلاص

فصل پنجم: امام بی یار و یاور

۱۰۵	معنای پنجم غریب
۱۰۵	وصف یاران خاص امام عصر
۱۰۷	اندک بودن یاران امام
۱۱۱	مؤمنان ثابت قدم

فصل ششم: منقئ خون امام حسین

۱۱۵	درس نهم: امام عصر خونخواه امام حسین
۱۱۵	امام غریب

## ۱۰ □ غربت امام عصر علیهم السلام

۱۱۶	خونخواهی سیدالشہداء علیهم السلام
۱۲۱	انتقام الهی از قاتلان امام حسین علیهم السلام
۱۲۱	انتقام یا کینه توزی؟
۱۲۳	مصیبت بزرگ
۱۲۵	اندوه همیشگی
۱۲۶	پایه گذاران ظلم
۱۲۹	درس دهم؛ انتقام از راضیان به قتل امام حسین علیهم السلام
۱۲۹	پیروان ظالمان
۱۳۱	راضیان به ظلم
۱۳۵	اسراف در قتل!
۱۳۷	اختصاص این نوع قصاص به امام عصر علیهم السلام
۱۳۹	مأموریت الهی
۱۴۲	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۸ تا ۱۰



## □ بخش دوم؛ یاری امام غریب

### فوشاپ اند چاپی

۱۴۵	فصل اول؛ اهمیت یاری امام عصر علیهم السلام و اقسام آن
۱۴۵	درس یازدهم؛ اهمیت یاری امام عصر علیهم السلام و اقسام آن
۱۴۵	یاری امام، یاری خداوند
۱۴۶	بی نیازی خدا از یاری غیر
۱۴۸	بی نیازی امام علیهم السلام از یاری دیگران
۱۴۹	یاری کردن امام علیهم السلام، لطف امام علیهم السلام
۱۵۱	کاستن از غربت امام علیهم السلام
۱۵۲	معرفی امام غریب
۱۵۶	اقسام یاری امام عصر علیهم السلام

۱۵۹	فصل دوم؛ یاری امام عصر علیهم السلام با قلب
-----	--

## فهرست مطالب ۱۱

۱۵۹	درس دوازدهم؛ نصرت قلیی (۱)
۱۵۹	دین شناسی
۱۶۰	تفسیر «حکمت»
۱۶۴	آثار تفکه در دین
۱۶۶	فضیلت فقاہت
۱۶۹	درس سیزدهم؛ نصرت قلیی (۲)
۱۶۹	معنا و ابعاد تفکه در دین
۱۷۴	ثبات در دینداری
۱۷۶	تهذیب قلب از گناهان
۱۸۰	یاری امام علیہ السلام با محبت به ایشان
۱۸۳	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۱ تا ۱۳



۱۸۵	فصل سوم: یاری امام عصر علیہ السلام با زبان
۱۸۵	درس چهاردهم؛ نصرت زبانی (۱)
۱۸۵	تهذیب زبان یا اولین مرحله یاری امام علیہ السلام
۱۸۷	وظیفه تبلیغ دین
۱۹۱	تبلیغ دین در غیبت صاحب دین
۱۹۴	رعایت تخصص‌ها و قابلیت‌ها در تبلیغ دین
۱۹۹	گناه فاش کردن اسرار اهل بیت علیہ السلام
۲۰۱	درس پانزدهم؛ نصرت زبانی (۲)
۲۰۱	دفاع فرهنگی از دین
۲۰۴	تحمل سختی‌ها
۲۰۵	پاداش ایستادگی در برابر دشمنان دین و نجات بیچارگان
۲۰۹	حفظ دین در هنگام مرگ
۲۱۱	توجه و عنایت ائمه علیہ السلام به یاران خویش

۲۱۹	فصل چهارم: یاری امام عصر علیهم السلام با عمل
۲۱۹	درس شانزدهم: نصرت عملی (۱)
۲۱۹	بالاترین درجه یاری
۲۲۰	تبليغِ عملی دین
۲۲۵	امیر مؤمنان علیهم السلام الگوی مؤمنان
۲۲۸	جذب افراد به تشیع با عمل
۲۳	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۴ تا ۱۶
۲۳۲	درس هفدهم: نصرت عملی (۲)
۲۳۲	ورع و احتیاط در دین
۲۳۵	ورع و عفت خانم‌ها
۲۳۹	نظر شرع مقدس در مورد عبادات بانوان
۲۴۲	کلام حضرت زهرا علیها السلام در مورد قرب زن به پروردگار
۲۴۵	درس هجدهم: نصرت عملی (۳)
۲۴۵	ضرورت تعلیم و تعلم برای بانوان
۲۴۸	ارزش کانون ووشکان‌اصفهان کتب‌دیجیتالی
۲۵۴	رعایت عفاف در ارتباط با نامحرم
۲۵۴	دست دادن با نامحرم
۲۵۵	نگاه شهوت آلد
۲۵۶	شوخی با نامحرم
۲۵۸	ملاقات با زن نامحرم بدون اجازه ولی او

۲۶۱	فصل پنجم: یاری امام عصر علیهم السلام با یاری امام حسین علیهم السلام
۲۶۱	درس نوزدهم: نصرت سیدالشهداء علیهم السلام
۲۶۱	یاری امام حسین علیهم السلام، بالاترین درجه یاری امام عصر علیهم السلام
۲۶۴	یاری سیدالشهدا علیهم السلام در زمان ما
۲۷۱	یاری سیدالشهدا علیهم السلام از طریق زیارت ایشان

## فهرست مطالب □ ۱۳

۲۷۴	فضیلت زیارت سیدالشہداء علیہ السلام
۲۷۹	زیارت عاشورا
۲۸۴	شعار امام عصر علیہ السلام و یارانشان
۲۸۸	درس بیستم: انصار سیدالشہداء علیہ السلام
۲۸۸	احوال یاران امام حسین علیہ السلام
۲۹۱	سعید بن عبدالله حنفی
۲۹۳	برادران غفاری
۲۹۴	عابس بن ابی شبیب
۲۹۵	عمرو بن جناده
۲۹۷	«حبيب بن مظاہر» و «مسلم بن عوسمجه»
۲۹۸	عمرو بن قرظه انصاری
۲۹۹	غلام ترک
۳۰۲	فداکاری های بانوان کربلا
۳۰۳	نمونه اول
۳۰۴	نمونه دوم
۳۰۵	نمونه سوم
۳۰۶	نمونه چهارم
۳۰۸	پرسش های مفهومی از درس های ۱۷ تا ۲۰
۳۰۹	فهرست منابع





فروشگاه تخصصی کتب دینی

۱ بخش



غربت امام عصر علیہ السلام

این حدیث از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده که در  
توصیف فرزند عزیزانشان فرموده‌اند:

**هُوَ الظَّرِيدُ الْوَحِيدُ الْغَرِيبُ...<sup>۱</sup>**

او طرد شده تنهای غریب است...

آیا واقعاً امام زمان ماتنهای غریب هستند؟ اگر نخواهیم  
فرمایش معصوم علیهم السلام را حمل بر مسامحه و مبالغه‌گویی کنیم،  
چه معنی یا معانی را می‌توانیم برای آن قائل شویم؟  
به لطف و عنایت خود آن حضرت، پنج معنای مختلف  
برای غربت ایشان می‌توان دریافت: که سه معنای آن، متناظر  
با سه مرتبه از مراتب شکرگزاری نسبت به نعمت وجود  
امام علیهم السلام است. به این صورت که هر مرتبه از کفران این نعمت  
عظمی منتهی به یک معنا از غربت ایشان می‌گردد. هر یک از  
فصول یک تا پنج این بخش به اثبات و شرح یکی از معانی  
غربت امام عصر علیهم السلام اختصاص دارد و در فصل پایانی  
(ششم)، به مناسبت توضیح حدیث امام هفتم علیهم السلام بحث انتقام  
گرفتن مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه از قاتلان حضرت  
سید الشہداء علیهم السلام مطرح شده است.

## درس اول: نعمتِ ناشناخته

مقدمه: اهل بيت علیهم السلام، نعمتِ کفران شده

باینکه وجوب شکر منعم، بدینهی عقلی به شمار می آید، ولی  
بسیاری از نعمت‌های الهی موردبی توجّهی و کفران واقع می شوند.

در این بخش قصد داریم چگونگی برخورد مردم را با بزرگترین  
نعمت الهی - یعنی وجود مقدس پیامبر صلوات الله علیہ و آله و سلم و اهل بيت ایشان علیهم السلام -  
مورد بررسی قرار دهیم. در مطلع بحث، روایتی از امام موسی بن  
جعفر علیہ السلام - از پدران گرامی ایشان علیهم السلام نقل می کنیم:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلوات الله علیہ و آله و سلم مُكَفَّرًا لَا يُشْكَرُ مَعْرُوفُهُ، وَ لَقَدْ كَانَ  
مَعْرُوفُهُ عَلَى الْقُرْشَىٰ وَ الْعَرَبِيِّ وَ الْعَجَمِيِّ. وَ مَنْ كَانَ أَعْظَمَ  
مَعْرُوفًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلوات الله علیہ و آله و سلم عَلَى هَذَا الْخَلْقِ؟<sup>۱</sup>

۱- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۴۲، ح ۳ به نقل از علل الشرايع.

پیامبر ﷺ مورد کفران قرار گرفته‌اند و کار خوب ایشان شکر گزارده نمی‌شود، در حالی که خیر ایشان به قریش و عرب و عجم رسیده است. و چه کسی بیشتر از پیامبر ﷺ برای این خلق کار خیر انجام داده است؟

تعییر مُكْفَر - که از کفر و تکفیر گرفته شده - اسم مفعول از باب تفعیل، و به معنای «کفران شده» و یا «پوشیده شده» است. مُكْفَر در اصطلاح به کسی اطلاق می‌شود که از او قدردانی نشود و نعمت وجودش مورد کفران واقع شده باشد.

کلمه «معروف» که در این روایت به کار رفته، یعنی کار خوب و نیک. خیر پیامبرا کرم ﷺ عام و فرا گیر و شامل همه مردم - اعم از افراد قبیله ایشان (قریش) و هم نژادی‌های ایشان (عرب)، و غیر آنها (عجم) - بوده است. معروف پیامبر ﷺ شامل گروه خاصی نبوده، بلکه همه عالم از آن بهره برده‌اند. ولی متأسفانه به طور شایسته از ایشان قدردانی نشده و مورد کفران قرار گرفته‌اند.

همان طور که امام موسی بن جعفر علیهم السلام تذکر فرموده‌اند، در میان مخلوقات خدا - از ابتدای خلقت تا انتهای آن - هیچ‌کس را نمی‌توان یافت که به اندازه پیامبر ﷺ در حق مردم کار خوب انجام داده باشد. پیامبر اکرم ﷺ مالک و واسطه همه نعمت‌های مادی و معنوی هستند، که به خلق خدا رسیده است. مهم‌تر از همه اینکه امر هدایت الهی را تکمیل فرموده و اسلام را برای مردم آورده‌اند. نور هدایتی که به واسطه پیامبر ﷺ منتشر شده، به انسان حیات واقعی بخشیده است. اگر انسان از این نعمت محروم می‌ماند، چه بسا از حیوانات گمراه‌تر می‌بود. حق این سرچشمۀ فیض الهی هیچ‌گاه ادانگردیده و به همین علت، مُكْفَر

نامیده شده است.

امام علی<sup>ع</sup> نیز از جهت «مُكَفَّر بودن» همچون پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> است.  
حضرت امام ابوالحسن موسی بن جعفر<sup>علیه السلام</sup> در ادامه روایت یاد شده،  
فرموده‌اند که:

وَ كَذِلِكَ نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ مُكَفَّرُونَ، لَا يُشْكُرُ مَعْرُوفُنَا.<sup>۱</sup>  
و همچنین ما اهل‌بیت نیز مُكَفَّر هستیم، چون شکر کارهای  
خوب ما ادا نمی‌شود.

خداؤند متعال به انسان‌ها اراده و شعور و اختیار داده است تا آنها با  
خواست خود در طریق رضای خالق خویش قدم بردارند. ولی متأسفانه  
مسیری که بشر تا امروز پیموده، به طور کامل مورد رضایت پروردگار  
نیست، زیرا انسان‌ها از کسانی که بیشترین حقوق را برابر گردنشان دارند،  
کمترین قدر دانی را کرده و آنها را مورد بی‌توجهی قرار داده‌اند. مؤمنان  
برگزیده نیز مانند ولی نعمت‌هایشان مورد کفران واقع می‌شوند و مُكَفَّر  
بودن را از موالی خویش به ارث برده‌اند. در ادامه روایت آمده است:

وَ خِيَارُ الْمُؤْمِنِينَ مُكَفَّرُونَ، لَا يُشْكُرُ مَعْرُوفُهُمْ.<sup>۲</sup>  
و برگزیدگان از مؤمنان، مُكَفَّر هستند، زیرا کار خوب آنها مورد  
شکر قرار نمی‌گیرد.

واقعیت این است که بیشتر مردم - حتی شیعیان و دوستداران  
ائمه<sup>علیهم السلام</sup> - با حقوق پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> و اهل‌بیت<sup>علیهم السلام</sup> به طور کامل آشنا  
نیستند و گاهی اصلاً به ضرورت شکرگزاری این نعمت‌بی مانند الهی

۱- علل الشرایع، ج ۲، ص ۲۴۷.

۲- همان.

توجه ندارند. اگر هم موضعهای شنیده، متذکر شوند، به زودی آن را فراموش می‌کنند.

در این بخش می‌خواهیم از این واقعیّت تلح سخن بگوییم، تا همگی باور کنیم که در دنیای ما پیامبر و ائمه علیهم السلام خصوصاً مولای عزیزمان حضرت مهدی عجل الله تعالیٰ فرجه الشّریف مُکْفَر و غریب هستند. برای این منظور، معانی مختلفی از غربت ایشان را مورد توجه قرار می‌دهیم.





## فصل

# امام قدر ناشناخته



معنای اول غریب

«قدر ناشناخته بودن» یکی از معانی رایج غربت است. اگر معرفتی که شایسته و بایسته شخصی است، وجود نداشته باشد، او را می‌توان «غریب» دانست. به عنوان مثال، اگر مردم باپزشک ماهری زندگی کنند، ولی اورانشناسخته، به کمالات و تخصص و ایمان و دلسوزی او آگاه نباشند و با او مثل یک فرد بی سواد برخورد کنند، اصطلاحاً به آن پزشک، «غریب» گفته می‌شود. از طرفی ممکن است مردم به تخصص و تعهد او آگاه شوند، ولی قدر او را نشناسند و قلبًا به او اعتقاد نداشته باشند و در مقابل به پزشکان دیگری که این تعهد و تخصص راندارند، اعتماد کنند. در این صورت باز هم این پزشک «غریب» مانده است.

حال فرض کنید که این پزشک، در علم فقه هم متخصص باشد، در این صورت انتظار می‌رود که وقتی صحبت از فقه می‌شود، او را در زمرة فقهاء بر شمرده، به عنوان یک فقیه برای او حساب باز کنند. در غیر این

صورت، حقّ او ادا نشده است.

به این ترتیب، هر چه کمالات فرد بیشتر و فراگیرتر باشد، ضرورت شناخت او ملموس تر می‌شود. هر کدام از ویژگی‌های برجسته اش که - به طور اختیاری یا غیراختیاری - مورد توجه واقع نشود، از آن جهت قدر ناشناخته و غریب می‌ماند.

به همین ترتیب، اگریک واسطه خیر شناخته نشود و مردم ندانند که نعمت‌ها و برکات‌ها از جانب چه کسی به آنها رسیده است، به سبب این نادانی، شکر نعمت او را چنانکه شایسته است، ادانمی‌کنند و لذا او «غریب» می‌ماند.

از طرف دیگر، اگر ولی نعمت شناخته شود، ولی به خاطر بی‌توجهی یا به عدم، از او قدر شناسی لازم نشود، کفران نعمت صورت گرفته، این کفران نعمت به نوعی دیگر، به غربت او می‌انجامد.

برای روشن‌تر شدن مطلب، به ذکر مثالی می‌پردازیم. فرض کنید که شخصی میزبان مجلسی شده و سفره‌ای گسترده است که بر سر این سفره، از همه مهمانان پذیرایی می‌شود. حال اگر برخی از مهمانان، میزبان خود را نشناسند و ندانند که بر سر سفره چه کسی نشسته‌اند، طبعاً نمی‌توانند از او تشکر کنند. در این صورت، میزبان، ناشناخته و غریب خواهد ماند. حالت دیگری از غربت میزبان، وقتی صدق می‌کند که مهمان‌ها - با وجود اینکه صاحب نعمت را می‌شناسند - به او بسی اعتنا باشند، از او تشکر نکنند و نسبت به او بسی توجه باشند. در این حالت نیز، به میزبان، مکفور و غریب گفته می‌شود و بدین ترتیب، مهمان‌ها با قدر ناشناصی خود، میزبان را در غربت نگاه داشته‌اند.

پس به طور کلی غریب به معنای قدر ناشناخته، دو صورت دارد: یکی آنکه اصلاً شناختی نسبت به او یا بعضی از کمالات و فضایل او وجود نداشته باشد. دوم زمانی که دیگران به او و کمالاتش واقع باشند، ولی آن طور که شایسته اöst، قدرش را نشناختند.

صورت اول، یک امر اختیاری نیست؛ چون انسان به اختیار خود شناخت پیدا نمی‌کند، هر چند که قطعاً مقدمات و زمینه‌های آن اختیاری است. ولی صورت دوم، کاملاً اختیاری است. وجه اشتراک بین این دو صورت، عدم شکرگزاری قلبی نسبت به نعمت مورد نظر است؛ یعنی اینکه حق او و کمالات و فضائل او ادا نشده است. در حالت اول، عدم شناخت نعمت و در حالت دوم، قدر ناشناسی از آن نعمت، سبب کفران نعمت است. به هر حال، آن اعتقاد و باور قلبی که شایسته یک نعمت است، نسبت به آن وجود ندارد. همین معنا را می‌توانیم به مکفور بودن قلبی و در نتیجه غریب ماندن تغییر کنیم.

### قدر ناشناخته بودن امام عصر عالیّاً

وقتی تعبیر «قدر ناشناخته» و «غریب» برای امام عصر عالیّاً به کار می‌رود، شاید تصوّر شود که مطرح کنندگان این بحث در بیان خویش مبالغه و اغراق می‌کنند؛ و یا گمان رود که این ادعّا صرف‌آبر پایه احساسات و عواطف است و جنبه عقلانی ندارد. در حالی که غربت امام عالیّاً امری مستدل و روشن است که همگان باید واقعاً به آن متذکّر شوند و حقیقت آن را بیابند.

نعمت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه یک نعمت «عام» و فراگیر است و همهٔ خلائق را در بر می‌گیرد. شیعیان و غیر شیعیان،

مسلمانان و غیر مسلمانان و حتی حیوانات و گیاهان و جمادات نیز، از نعمت وجود ایشان بهره مند می شوند و این نعمت مانند باران بر سر همه می بارد.

بنابراین شکر نعمت وجود ایشان، باید به گستردن خود این نعمت، فرا گیر باشد؛ در حالی که در حال حاضر، بر روی کره زمین، اکثر مردم اصلاً امام زمان ع را نمی شناسند و در واقع نمی دانند میزبان و ولی نعمت آنها کیست. بر سر سفره ایشان نشسته اند و نان و نمک حضرت رامی خورند، اما هیچ گونه شکرگزاری نسبت به ایشان انجام نمی دهند؛ چون اصلاً نعمت وجود ایشان را نمی شناسند، تا ضرورت شکر آن را بدانند.

البته این عده که از شناخت ولی نعمت خویش محروم مانده اند، گاهی در این محرومیت خود مقصّر هستند؛ یعنی عدم شناخت آنها به سبب کوتاهی خودشان در فراهم آوردن مقدمات آن بوده است. این افراد، چه در جهل خویش مقصّر باشند یا نه، به هر حال، امام زمان خود را نمی شناسند و آن حضرت برای ایشان مکفور و غریب هستند.

### امام شناسان قدر ناشناس

غربت امام ع در بین عده دیگری مشهودتر و ناگوارتر است. این عده، اقلیتی هستند که خدای منان، امام عصر ع را به آنها شناسانده است و آنها می دانند که آن حضرت، حاجت خداست و به آن اذعان دارند، لذا در زمرة شیعیان قرار می گیرند، ولی قلبًا قدر شناس حضرت نیستند.

این افراد اندک، مهمانانی هستند که میزبان و ولی نعمت خود را

می شناسند، اما متأسفانه غالباً او را مورد بیمه‌ری قرار می دهد و شکر حضرتش را - چنانکه باید و شاید - ادا نمی کنند. غربت این ولی نعمت برای این افراد یک امر کاملاً اختیاری و به معنای قدر ناشناسی از وجود ایشان است.

کسانی که این چنین امام خویش را قدر ناشاخته رها کرده‌اند، شایسته سرزنش هستند؛ چراکه از روی اختیار، نسبت به اعتقاد و پذیرش قلبی کوتاهی کرده‌اند.

اقلیتی که شناخت اوّلیه نسبت به امام زمانشان دارند، اگر حق این معرفت را ادا کنند و قلباً قدردان آن شوند، خدای متعال به فضل خود، بر معرفت آنها می افزاید و امام علیهم السلام را به آنها بیشتر می شناساند. ولی گاهی این افراد، خود، مقدمات معرفت بیشتر را فراموش نمی آورند<sup>۱</sup> و با کوتاهی در انجام مقدمات حصول معرفت، امام علیهم السلام را برای خود غریب باقی می گذارند.

متاآسفانه بسیاری از شیعیان که از ولایت امام عصر علیهم السلام برخوردار هستند، خود را از نخستین مرتبه معرفت - یعنی معرفت به اسم - نیز محروم ساخته‌اند. اینان حتی خصوصیات ظاهری امامشان را هم نمی دانند. مثلاً از سال و محل تولد ایشان بی خبرند و از این بابت هیچ‌گونه احساس نگرانی و شرمندگی هم نمی کنند. در حالی که بعضی از همین افراد، گاهی برای آشنایی با هنرپیشگان یا اورزشکاران

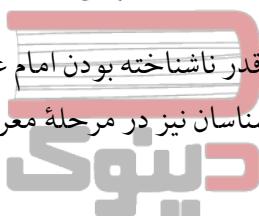
۱- البته این یک قاعدة کلی نیست که شخص لازم باشد همیشه مقدمات معرفت را خودش فراموش آورد تا خدا به او فضل نماید. بلکه خداوند به هر کس که بخواهد، فضل می کند. تفصیل این بحث در حلقة اول این سلسله درس‌ها آمد.

کشورهای خارجی، وقت زیادی صرف می‌کنند و با علاقه به دنبال کسب آگاهی بیشتر درباره آنها هستند.

بدین ترتیب برخی از نوجوانان شیعه اطلاعات وسیعی درباره فوتبالیست‌های داخلی و خارجی یا هنرپیشگان و... به دست آورده، به خاطر می‌سپارند. گروهی از بزرگسالان هم - به ضرورت کسب و کار خود - مشخصات کالاهای مختلف را به صورت تخصصی یاد می‌گیرند. اما بسیاری از این افراد - پیر یا جوان - اگر بارها و بارها اسمی، تاریخ تولد و مشخصات دیگر امام زمان ع در مجالس گوناگون به آنها گفته شود، کوچک‌ترین توجهی نمی‌کنند و هیچ وقت نمی‌کوشند چیزی درباره امام خود بیاموزند. این بی توجهی‌ها چیزی جز قدرناشناصی قلبی را نمی‌رساند و نشان می‌دهد که حتی برای بعضی از افراد متدين، دانستن حداقل خصوصیات امام عصر ع اصلاً مهم نیست. به راستی این ولی نعمت، چقدر غریب است؛ که حتی دوستدارانش این حداقل توجه را هم به او مبذول نمی‌دارند؟!

## درس دوم: قدر ناشناخته بودن صفات امام عصر علیهم السلام

در درس گذشته از قدر ناشناخته بودن امام عصر علیهم السلام سخن گفتیم و اینکه بسیاری از امام شناسان نیز در مرحله معرفت به اسم، کوتاهی دارند.



فروشگاه تخصصی کتب دینی

عدم معرفت به وصف

غربت امام عصر علیهم السلام از جهت عدم «معرفت به وصف» بارزتر است. کسانی که از معرفت مشخصات ظاهری حضرتش غفلت می‌کنند، معمولاً افراد عامی هستند. اما متأسفانه در «معرفت به وصف» بیشتر، خواص دچار کاستی می‌شوند، که زیرمجموعه‌ای از اقلیت شیعیان هستند. اینان بیشتر افراد درس خوانده‌ای هستند که می‌توانند طرز تفکر دیگران را هم تحت تأثیر قرار دهند. محروم بودن این عده از معرفت امام عصر علیهم السلام می‌تواند برای دیگران نیز خطرساز باشد. از این‌رو، مشاهده غربت و ناشناخته بودن امام زمان علیهم السلام در بین این افراد، بسیار در دنیاک است. همین امر، بسیاری از انحرافات را در

## اصل دینداری پدیده می‌آورد.

به عنوان مثال، گاهی دیده می‌شود که برخی شیعیان به اصطلاح درس خوانده، انواع و اقسام انحراف‌ها را در بحث امامت، یعنی در اصلی‌ترین ویژگی امام عصر مطرح می‌سازند. بیان نظریّات این‌گونه افراد، دل‌های شیعیان عارف به حق امام زمان را به درد می‌آورد، ولی از آنجاکه غربت حضرتش را به خوبی به تصویر می‌کشد، با طلب عفو و بخشش از ساحت مقدس حضرتش و دوستان مخلص ایشان، به برخی از این آراء اشاره می‌کنیم.

### الف) امامت

اصلی‌ترین خصوصیّت امام عصر، یعنی مسأله امامت، نخستین هدف حمله برخی افراد ناگاه است. برخی از کسانی که خود را روشن‌فکر می‌نامند، امامت را صرفاً یک امر تاریخی می‌دانند و برای آن، ارزش اعتقادی قائل نیستند. نتیجه این طرز‌تفکر، بررسی مسأله خلافت و جانشینی پیامبر، به عنوان یک امر تاریخی است. منطقی‌ترین و مسالمت‌آمیز ترین نتیجه این بررسی، آن است که هر چه بوده، گذشته است و بحث مجدد در مورد حوادث تاریخی، جزو کردن اختلافات و زنده کردن کینه‌های دیرینه، نتیجه‌های ندارد و مارا از انجام مسؤولیّت فعلی خود - یعنی پرداختن به وظیفه روزگار خودمان - بازمی‌دارد و به انحراف می‌کشاند.

بدین ترتیب، مسأله امامت - که اصل و رکن دین است - در هاله‌ای از جهل و ابهام و غرض‌ورزی مورد غفلت و انکار قرار می‌گیرد و کار به جایی می‌رسد که مذاهب مختلف اسلامی را نوعی خط‌کشی حزبی و

حقوقی می‌نامند و مدعی می‌شوند که مکاتب اهل سنت هم در کنار مذهب برحق شیعه، اسلام حقیقی را تشکیل می‌دهند! پس هر کدام از این مذاهب مجاز هستند که به فقه خود عمل کنند. بنابراین باید شیعه را مؤمن و منکرین امامت و ولایت ائمه علیهم السلام را کافر دانست!

برای اینان که خود را روشن‌فکر می‌پندازند، اهمیت مسئله امامت، به خوبی روشن نشده و ائمه اطهار علیهم السلام را اصلاً «نشناخته‌اند». از این رو، نمی‌توانند به راحتی زیربار این مسئله بروند که «منکر امامت کافر است».<sup>۱</sup>

اینان که اصلاً معنا و اهمیت امامت را نفهمیده‌اند، چگونه می‌توانند قدردان نعمت امام علیهم السلام باشند؟ لذا برخی از آنها اظهار می‌کنند که در اسلام هیچ‌کس غیر از پیامبر علیهم السلام وجود ندارد که انکار شخصیت و مقام او موجب کفر شود. ایها این قدر معرفت پیدا نکرده‌اند که بفهمند انکار امامت به منزله انکار توحید و عین کفر است. کافی بود که به جای این فرضیه پردازی‌ها و فرونقتن در تاریخ ای که خود به دست و پای خویش بسته‌اند، به این یک روایت پیامبر اکرم علیهم السلام توجه می‌کردن که:

مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.<sup>۲</sup>

هر کس بمیرد در حالی که امام زمان خودش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

۱- وَ مَنْ جَحَدَ كُمْ كَافِرْ (زیارت جامعه کبیره، مروی از امام هادی علیهم السلام) بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۰۳). این مضمون در احادیث فراوانی با الفاظ مختلف آمده است.

۲- بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۸۹. مضمون این حدیث در منابع اهل سنت همچون صحیح مسلم، ج ۶، ص ۲۲ نیز آمده است.